

درخواب

www.ketab.ir

بهار ۱۳۸۷

سرشناسه : میرزای آشتیانی، محمدعلی، ۱۳۰۰ - ۱۳۴۵ ه.ق.

عنوان و نام پدیدآور : در خوشاب / مولف محمدعلی پروین.

مشخصات نشر : تهران : نسیم تحول، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۹۹۲ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۰۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت : این کتاب قبلاً توسط انتشارات داودپروین زاده در سال ۱۳۸۸ چاپ و

منتشر شده است.

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴

th century ۲۰ Persian poetry -- : موضوع

شعر ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴ : موضوع

th century ۲۰ Azerbaijani poetry -- Iran -- : موضوع

ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. -- شعر : موضوع

Iran -- History -- Constitutional Revolution -- ۱۹۰۶ - ۱۹۰۹ -- : موضوع

PIR۸۲۲۳ / ۴۴۶۴۷۴۰۰۰۰۰۰۰۰ : رده بندی کنگره

۸۱۶ / ۶۱ : رده بندی دیویی

۴۳۱ ۶۳۲ : شماره کتابشناسی ملی

در حساب

مولف: محمدعلی پروین میرزای آشتیانی

ناشر / انتشارات نسیم تحول

تیراژ / ۱۰۰۰ جلد

قیمت / ۴۵۰۰۰ تومان

نوبت چاپ / اول ۱۳۹۵

قطع و صفحه / وزیری ۹۹۲ صفحه

تهران / خیابان ۱۲ فروردین / بن بست حقیقت / پلاک ۴ تلفن / ۶۶۴۱۴۰۴۹

چاپ: احسان قم

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

این کتاب با مشارکت و حمایت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۰۲-۱ ISBN 978-600-8272-02-1

دُر خوشاب	۱
برای آرایش دیباچه پروینی تیمتأسمط مسدس در مدح شاه ولایت امیرمؤمنان	۶
مُسمط مسیع در سبب تألیف کتاب دُر خوشاب مجموعه پروینی فی انقلاب انتخاب آذربایجان	۱۵
هذا کتاب دُر خوشاب فی انقلاب انتخاب تبریز از مصنفات جناب شریعتآب پروین میرزای آشتیانی	۲۱
در مدح خواجه عالم حضرت رسول عالمین محمد ابن عبدالله	۲۴
در مدح مولانا متقیان امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب (ص)	۲۶
عنوان ناظم خود را از حضرت امام مجتبی (ص) مرحمت شده بیان میکند	۳۱
در بیان استقامت احوال و تدبیر اصناف تبریز و اطوار و تربیت شدگی آنها	۳۳
گفتگوی مصنف با حضرت والا محمدعلی میرزا ولیعهد	۳۷
جواب حضرت والا ولیعهد به مصنف	۴۲
جسارت دیگر به حضرت والا ولیعهد	۴۳
جواب محمدعلی میرزا ولیعهد ایران به مصنف	۴۵
جسارت دیگر به حضرت والا ولیعهد	۴۶
اجتماع مردم و بازار بستن شتربانیان	۴۹
رفتن مردم به قونسول خانه انگلیس و سفارشات به والا	۵۱
عتاب حضرت والا محمدعلی میرزا ولیعهد به تجار تبریز	۵۳
ترغیب مولانا شیخ سلیم مردم تبریز به جنگ محمدعلی میرزا ولیعهد	۵۸
سواره فرستادن ولیعهد به قونسول خانه انگلیس و	۶۰
مراجعت لشکر ملی به قونسول خانه	۶۰
اجتماع ملت در مسجد صمصام و گفتگوی مجتهد با مشروطه خواهان	۶۱
گفتگوی مجاهدین با همدیگر و اوضاع تبریز	۶۳
سیاحت رفتن مصنف به خیابان	۶۶
رفتن والا حضرت محمدعلی میرزا ولیعهد به تهران	۶۷
وضع تبریز بعد از رفتن ولیعهد	۶۸

۷۰	بیان اعتقاد حضرت مصنف که از این پیشوایان ندامت خواهد رسید
۷۰	در حسن رفتار رؤسا که دو ماه در بدو امر خوب رفتار نمودند
۷۱	برگشتن اعتقاد رؤسا از معدلت برای کسب لیبره و در تعریف عشق
۷۳	وعظ غوث المجاهدین اعراف الآن و الاین حضرت شیخ سلیم دامت برکاته
۷۶	رهنمایی آن حضرت به مجاهدین ایدالله لهم
۷۸	پاسبانی مردم با حکم مولی المجاهدین خانه های خود را
۸۰	مخمس غزلا حواجه حافظ شیرازی
۸۳	مقدمه بیرون دادن جناب حاجی میرزا حسن آقامجتهد از تبریز
۸۵	تکلیف روسا به مجاهدین و حاجی علی دواچی
۸۶	رفتن مجاهدین به خانه مجتهد به گرفتن کاغذ فسق تربیت و حاج علی دواچی
۸۸	رفتن حاج میرزا حسن آقا مجتهد از تبریز با اجتماع رجاله
۹۰	در تفسیر حروف مشروطه در ملت ایران
۹۱	در تفسیر حروف مشروطه در ایران
۹۲	رفتن مصنف با سیدهاشم شتربانی به تماسی با انجمن ملی
۹۴	گفتگوی ملت غیور در انجمن
۹۵	عتاب سیدهاشم به وکلای انجمن
۹۶	تعرض لشکر ملی به شیخ سلیم
۹۸	رفتن سیدهاشم به تهران از پی رفع مشروطه
۹۹	دید و بازدید فدائی و مجاهد
۱۰۰	نطق حافظ ملت و مدعی ثروت شیخ سلیم
۱۰۴	اسب دوانی لشکر ملی در میدان مشق
۱۰۶	مقدمه تهران رفتن ملت
۱۰۹	لشگرکشی به تهران از پی قانون اساسی
۱۱۱	در تأسف از امنیت زمان استبداد
۱۱۲	شکایت از وحشت رجاله و رجوع نتایج اعمال خود
۱۱۳	کیفیت قتل مرحوم حاج قاسم اردبیلی

۱۱۵.....	آوردن رجاله حاجی قاسم را به عالی قاپو.....
۱۱۸.....	گفتار در عزت دنیا که ثباتی ندارد.....
۱۱۹.....	رفتن مصطفی در انجمن به تماشای حکمران جدید.....
۱۲۰.....	نامه دعوت انجمن ملی به مصنف و جواب آن و مشروطه‌چی شدنش.....
۱۲۲.....	گفتگوی وکلا با مؤلف درباره ایران مداری.....
۱۲۳.....	جواب رؤسای انجمن.....
۱۲۵.....	جمع شدن وکلا و مجاهدین در تلگرافخانه و خواستن قانون از تهران.....
۱۲۷.....	نطق سیدالعلماء در تلگرافخانه.....
۱۲۹.....	اصرار مجاهدین به حضرت شیخ سلیم برای رفتن طهران و پوزش شیخ مجاهدین را.....
۱۳۱.....	وعظ غوث‌الملة به شیخ سالم در مسجد خیابان مجاهد را.....
۱۳۲.....	من کلام دُور باره.....
۱۳۳.....	اجتماع علما در مسجد صادقه و واگیری جناب میرزا علی اکبر از غارت نمودن شتریان و سرخاب.....
۱۳۴.....	لشکرکشی انجمن به سمت شتریان و سرخاب.....
۱۳۶.....	دسته‌بندی سرخاب و شترانیان و جنگ همگروه.....
۱۳۸.....	جنگ دیم هم گروه.....
۱۳۹.....	جنگ سوم انجمن با سرخاب و شترانیان به تخم کردن و غارت.....
۱۴۰.....	رفتن اشراف تمام محلات خدمت حضرت شیخ سلیم و حاله ای غارتگران.....
۱۴۲.....	معارضه شیخ سلیم با یوزباشی باقر خیابانی.....
۱۴۳.....	آشتی محلات با همدیگر و تعیین کدخدای محلات و اوضاع دیگر.....
۱۴۷.....	سپردن انجمن حکومت را به اجلال‌الملک و حسن حکومت او.....
۱۴۹.....	انتظام مملکت از حکومت اجلال‌الملک و آسایش مردم در دوره او و آمدن سیدهاشم از تهران.....
۱۵۱.....	رفتن سیدهاشم در انجمن و مخاصمه او با شیخ سلیم درباره انتخاب.....
۱۵۳.....	انتخاب اول انجمن و پنهان شدن نام سیدهاشم شترانی.....
۱۵۴.....	نطق غوث‌الملة و الانجمن حضرت شیخ در مسجد خیابان.....
۱۵۶.....	مسئله پرسیدن مردم از حضرت شیخ سلیم دامت برکاته.....
۱۵۹.....	

آمدن فرمانفرما از تهران برای حکومت تبریز و نطق شیخ در مسجد خیابان و رفتن فرمانفرما	۱۶۰
بعد از چند روز	۱۶۰
ورود فرمانفرما و عدم اعتنای ملت بر او و رفتن او بعد از یک ماه به ساوجبلاق	۱۶۲
رفتن شاهزاده فرمانفرما از تبریز و سوگواری مؤلف به حال بیچارگان از آینده کار	۱۶۳
لشکر فرستادن انجمن به مراغه و آمدن حاج صمدخان از تهران به مراغه و گریختن مجاهدین	۱۶۵
معارضی سیدهاشمیون با پرده و خواستن خیابانیان مجتهد را به تبریز و آمدن مجتهد	۱۶۷
کافی نبودن امر من ملی به امور و معاون نهادن به خود در محلات	۱۶۸
باز شدن انجمن اسلامی به ریاست سیدهاشم دروازه‌ی سرخاب و آمدن مجتهد و سایر اغنیا در آن جا	۱۷۰
نامه انجمن اسلامی به من ملی خذلهم الله تعالی	۱۷۱
آمدن مخبرالسلطنه به تبریز و حبس نمودن و کشتن او ایت خلیل را هرج و مرج تبریز و آمدن	۱۷۲
اجلال‌الملک به اسلامی و میر مجتهد بر او	۱۷۲
رفتن مخبرالسلطنه از تبریز به نصیب احلال‌الملک	۱۷۴
آشوب تبریز بعد از رفتن مخبرالسلطنه	۱۷۵
مهملات مصنف از تفرقه حواش و شدت محاسن	۱۷۷
جنگ دوم انجمن اسلامی و گرفتن خیابانیان مغازه مجازالملک را	۱۷۹
اعلان اسلامی در شتریان و سرخاب	۱۸۰
سواد تلگراف محمدعلی‌شاه در اسواق اسلامی	۱۸۱
سواد تلگراف آخوند خراسانی در اسواق انجمن	۱۸۲
صدای آمدن رحیم خان چلبیانی و تشریف بردن حضرت شیخ سلیم از تبریز	۱۸۳
آمدن کاروان به شکایت از دزدی کسان رحیم‌خان در راه و ورود رحیم‌خان به تبریز	۱۸۵
وعظ سیدهاشم در شتریان و اشاره به حرکت سپهدار از تهران	۱۸۶
پیدا شدن جناب شیخ سلیم و تحریر آن مردم را به جنگ اسلامی	۱۸۹
جنگ مغلوبه تمام محلات با لشکر اسلامی و گفتگوی ایشان با همدیگر	۱۹۱
ستوهی شدن لشکر اسلامی و رسیدن مقدمه الجیش تهران به باسنج	۱۹۲
پنهان شدن وکلا و مشورت ستارخان سردار با سالار و رای دادن هر دو به جنگ شهزاده	۱۹۶
رفتن مصنف به سیاحت خیابان و گرفتاری او	۱۹۷

لشکرآرایی همگروه و انتظار لشکر اسلامی به شاهزاده	۱۹۸
در ملامت عموم و مناجات با قاضی الحاجات و توسل به حضرت امیر علیه السلام	۱۹۹
بسم الله الرحمن الرحيم	۲۰۳
ترجمه حدیث کسا برای توسل به آل هبا	۲۰۴
بسم الله الرحمن الرحيم	۲۰۹
نامه نواب شاهزاده عین الدوله به سرکردگان لشکر ملی	۲۱۰
مشورت سردار و سالار ملی در جواب نامه شاهزاده عین الدوله	۲۱۲
جنگ ستارخان با اسلامی و رسیدن سپاه سلطانی به یاری اسلامی	۲۱۴
فرستادن عین الدوله ناصر الله خان برادر خسروخان (یورتچی را) به یاری اسلامی و جنگ او	۲۱۶
خودستائی ستارخان و ملامت او لشکر خود را	۲۱۹
رفتن اهالی محلات به عنوان جهاد رو به لشکر عین الدوله با حکم سالار ملی دامت برکاته و برگشتن آنها	۲۲۱
آمدن رحیم خان به یاری اسلامی و جنگ سهاشر در امرخیز	۲۲۴
سوگواری رحیم خان سر نعلش فرزندش و اشیات او	۲۲۸
آمدن شجاع نظام مرنندی از طرف عین الدوله به یاری اسلامی	۲۲۹
وضع تبریز از غارت رحیم خانیان	۲۳۳
تاراج بازار تبریز از مجاهد و رجاله اسلامی و به زیارت رفتن غازیان	۲۳۴
نکوهش ستارخان سردار به جان خود و اراده جنگ	۲۳۶
جنگ ستارخان با رحیم خان و شجاع نظام و جنگ سالار با نصرالله خان یورتچی	۲۳۸
صحبت سرکردگان از دلیری طرف مقابل خود و می خواستن	۲۴۱
جنگ سردار و سالار ملی با تمام قوای خود با لشکر اسلامی و کشته شدن حسین خان باغبان به دست شجاع نظام	۲۴۳
جنگ شبیخون سردار با اسلامی به خون خواهی حسین خان باغبان	۲۴۷
مهمات و پرشان گویی از کثرت اندوه	۲۵۰
رفتن حاج محمد جعفر اصفهانی و سایر اشراف از تبریز و گرفتاری میرزا محمد آقا برادر امام جمعه در خیابان	۲۵۳

رفتن مصنف نزد ستارخان سردار و گفتگوی ایشان و رأی دادن ستارخان به آشتی و برگشتن او.....	۲۵۵
جواب مجدد به سردار.....	۲۵۹
جواب ستارخان سردار و رأی دادن او بر آشتی جمع شدن وکیلان دو جانب در مسجد ششکلان و برهم شدن آشتی.....	۲۶۱
کیفیت قتل میرزا احمد آقا برادر آقای حاج میرزا عبدالکریم امام جمعه.....	۲۶۳
نکوهش در حق اولیان ستم در روزگار.....	۲۶۶
جنبش سرکردگان اسلامیّه از قتل میرزا محمد آقا و ماتم آن نوجوان شهید طاب ثراه.....	۲۶۸
نامه جناب حاج میرزا حسن آقا مجتهد از اسلامیّه به شاهزاده عین الدوله.....	۲۷۱
جواب نامه مجتهد از جناب والای شاهزاده عین الدوله.....	۲۷۲
تعتت سرداران شاهی به نامه عیر الدوله و تحسین مجتهد و اراده حرکت و هجوم مشروطگان به اسلامیّه.....	۲۷۵
نامه سردار نصرت و شجاع به نواب و اهواز عیر الدوله.....	۲۷۸
گفتگوی غارت چیان مشروطچی با بیعاران سپه سالاران.....	۲۸۰
رفتن حاجی میرزا حسن آقا مجتهد و امام جمعه از اسلامیّه و خرابی اسلامیّه و اوضاع خانه خرابی سرخاب و شتربانیان.....	۲۸۲
غارت نمودن مجاهدین خانه ملک التجار را و سوختن عمارت او.....	۲۸۵
غارت شدن خانه جناب حاجی میرزا حسن آقا مجتهد دامت برکاته.....	۲۸۶
غارت شدن خانه جناب حاج میرزا عبدالکریم آقا امام جمعه سلمه الله تعالی.....	۲۸۷
تعرضات جبهال و غارتگران به مستبدین و علمای امامیه.....	۲۸۹
نشستن نواب و الاعین الدوله در باسمنج و گرد آمدن لشکر و بستن سرچشمه ها و راه آذوقه.....	۲۹۳
رسیدن خبر حرکت حاج صمدخان مراغه از مراغه به تبریز لقب شجاع الدولگی در همین جنگ داده شد.....	۲۹۴
رفتن میرهاشم خباز رئیس نظام به جلوگیری شجاع الدوله در سردرود.....	۲۹۶
در ناپایداری روزگار و نکوهش رجاله و مناجات به حضرت باری عزاسمه.....	۲۹۹

محاصره عین الدوله تبریز را و ترقی اشعار و سرسام مصنف از مجاعت	۳۰۲
گفتگوی سردار و سالار راجع به محاصره تبریز و اوضاع مردم	۳۰۶
دادخواهی مردم به دربار سردار ملی و ستوهی شدن و سخت گفتن از تمامی محلات تبریز	۳۰۸
جواب ستارخان سردار به دادخواهان و وعده آسودگی دادن	۳۱۰
جنگ سالار ملی با صمدخان در بیرون محله خلیب و جنگ ستارخان با رحیم خان سردار نصرت آجی کنار	۳۱۲
غار شاه خانه اعتمادالدوله و رحیم خان چلبیانلو برای جیره مجاهدین	۳۱۷
غار شاه خانه سرالاکرین باغیشه و شیخ حسن مهربانی و جستن خانه ها برای نان	۳۲۰
در مذمت خرد و ناست از شریزان	۳۲۴
جنگ ستارخان در آجی کنار و گایله خوردن اوستا محمدخان امیرتومان و سوختن قورخانه ملتی در امیرخیز و سوختن مجاهدین	۳۲۶
جنگ ستارخان با رحیم خان و آجی کنار	۳۲۸
آوردن مجاهدین رحیم خان را دست بسته به تبریز	۳۳۱
توپ بستن لشکر شاهی تبریز را از هاج داغ و سالی داغ	۳۳۳
جواب حضرت سالار ملی به ملت و مجاهدین نکوهش و پژوهش آن و وعده استخلاص	۳۳۷
کشتن لشکر شهریار میرهاشم رئیس نظام را در سرکرده تبریز	۳۳۹
در ملامت نفس	۳۴۲
شییخون زدن به اردوی دولتی و کشته شدن حسن دلی	۳۴۴
نامه شاهزاده عین الدوله به جناب اجلال الملک	۳۴۹
جواب نامه شاهزاده از حضرت سردار ملی	۳۵۱
رسیدن نامه ستارخان به شاهزاده عین الدوله و جنگ مغلوبه همگروه	۳۵۳
اجتماع مردم به دربار سالار و شکایت آنها و شورای دو سردار و رای هر دو به تسلیم و عقب نشستن لشکر شاهی	۳۵۸
عبور لشکر روس از جلفا به تبریز	۳۶۰

۳۶۱	ساقی نامه و اشاره به ششامت ایام آینده
۳۶۳	رفتن سپهدار از رشت به تهران و استعفای محمد علی شاه از سلطنت
۳۶۴	در عزت دنیا که ثباتی ندارد
۳۶۵	چراغان و آیین بندی تبریز در جشن سلطنت اعلیحضرت سلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه
۳۶۷	تاریخ مشروطه خواهی تبریز تا جلوس سلطان احمد شاه قاجار ۴ رجب ۱۳۲۷
۳۶۹	خرابی سینه ان از سپاه روس و نانجیبی مستبدین
۳۷۰	رفتن سواران به شهبندی
۳۷۱	در مذمت غفلت
۳۷۷	سؤال از وضع مکتب در جواب آن
۳۷۹	نامه انجمن به سپهدار لشکر روس و تکلیف خواستن
۳۸۰	جواب نامه انجمن از سپهدار لشکر روس
۳۸۱	اعلان رئیس انجمن آقای سیدالمحققین و مردم را ترغیب به اتحاد
۳۸۵	رفاهیت مردم از حسن رفتار انجمن و اتحاد مال
۳۸۷	فرستادن مجاهدین جعبه بمب به نام جواد سیب و مرند و کشته شدن شجاع نظام مرندی
۳۹۰	آمدن مخبر السلطنه بار دوم به تبریز و اشاره رفتن سردار اردبیل
۳۹۱	جنبش فرقه شاهسون و چاپیدن آنها دهات آذربایجان را
۳۹۳	رفتن ستارخان به اردبیل برای نظم فرقه شاهسون
۳۹۵	سوار شدن سردار ملی
۳۹۷	برگشتن سردار از اردبیل
۳۹۹	گفتگوی امرای شهسون با ستارخان در اردبیل
۴۰۲	پیغام شهسون به ستارخان و محاصره او را در قلعه اردبیل و فرار او
۴۰۳	چاپیدن شهسون دهات را بعد از فرار سردار از اردبیل
۴۰۴	نامه رعایای دهات به انجمن ایالتی
۴۰۵	شور و کلا و مخبر السلطنه برای رفع انقلاب شهسون

۴۰۷.....	سوار شدن سالار ملی به جنگ شهبون
۴۰۹.....	جواب مخبر السلطنه از شجاع الدوله
۴۱۱.....	رسیدن ریاست مالیّه به جناب میرزا حسین واعظ
۴۱۳.....	محاكمه پروین مصنف در عدلیّه در حضور نقیب الاشراف و محكوم شدنش
۴۱۷.....	مداخله بلدیه به معادن و افزودن مالیات متفرقه
۴۲۱.....	مغلوبی و اسارت شهبون و برگشتن شجاع الدوله
۴۲۱.....	به مراغه . یفرم به تبریز
۴۲۳.....	ضمانت یفرم خان رؤسای مشروطه را و نطق او
۴۲۷.....	جواب اعتراضات یفرم خان سردار از جناب میرزا حسین واعظ
۴۲۹.....	رفتن باقرخان سردار از جنگ شهبون به قصبه هریس و بیعت گرفتن از آنها به مشروطه
۴۳۲.....	نطق سالار در هریز و خروج مردم را به مشروطه
۴۳۴.....	مراجعت یفرم خان سردار به تهران و لجوئی او از رؤسا
۴۴۰.....	نصایح مشفقانه و تنبیه صادقانه پروین
۴۴۴.....	ساقی نامه برای امنیت موقتی از اشرار تبریز و شهر شهبونها
۴۴۷.....	رها شدن رؤسای شهبون از تهران و انقلاب ده تیر
۴۵۰.....	مشورت و کلاه درباره جنگ شهبون و تصمیم مخبر السلطنه حاج صمدخان شجاع الدوله را
۴۵۲.....	نامه انجمن ایالتی به حاج شجاع الدوله و استمداد از
۴۵۲.....	حضرتش به جنگ شهبون
۴۵۴.....	جواب نامه انجمن ایالتی از حاج شجاع الدوله
۴۵۶.....	شور و کلا و خواندن نامه شجاع الدوله و نقض عهد آنها
۴۶۰.....	نکوهش نویری ستارخان را به مخبر السلطنه و اصرار او به رفتن سردار و سالار به تهران و ستیزه ستارخان و خودستایی و رفتشان به تهران
۴۶۳.....	گفتگوی مخبر السلطنه با میرزا اسماعیل نویری در فرستادن قورخانه به حاج صمدخان و عدم رای نویری
	جواب نویری به مخبر السلطنه و عدم رای او به فرستادن قورخانه به حاج شجاع الدوله و رفتن

مخبر السلطنه.....	۴۶۵
آمدن امان‌الله میرزا به ریاست نظام تبریز و امام‌قلی میرزا بر ایالت تبریز.....	۴۶۶
نامه حاج صمدخان شجاع الدوله از سراب به انجمن ایالتی و خواستن قورخانه.....	۴۷۳
رسیدن نامه به شجاع الدوله و مشورت وکلا و جواب آن.....	۴۷۶
جواب نامه حاجی صمدخان شجاع الدوله از انجمن.....	۴۸۰
جواب نامه انجمن ایالتی به حاج صمدخان شجاع الدوله.....	۴۸۱
رسیدن نامه شجاع الدوله و شور وکلاء و ممانعت میرزا حسین واعظ از خون ریختن و اقدام نویری به جنگ.....	۴۸۶
وفات رئیس المصلحین و سرانده سه خروار مس‌های غارتی امام جمعه از غارتگرین علی مسیو رحمه الله.....	۴۹۲
نامه رحیم خان سردار دسرده به جناب تقه الاسلام و امان خواستن.....	۴۹۵
شادمانی مجاهدین از امان خواستن رحیم خان.....	۴۹۷
جواب نامه رحیم خان از جناب تقه الاسلام.....	۴۹۸
ترغیب نویری مردم را به جنگ شجاع الدوله و تعرض به علماء سوء.....	۴۹۹
محاصره شجاع الدوله تبریز را.....	۵۰۳
شور وکلا به فرستادن نماینده نزد صمدخان در پاسخ بند آمدن زیان اشرار.....	۵۰۶
گفتگوی شجاع الدوله در باسمنج با نمایندگان انجمن.....	۵۰۷
برگشتن نمایندگان از باسمنج و شور وکلاء و اقدام جنگ.....	۵۱۳
نامه اهل تبریز علانیه به حاج شجاع الدوله و بی‌وفائی آنها در حق انجمن.....	۵۱۶
نامه تبریزیان به حاج شجاع الدوله.....	۵۱۷
گفتگوی خانخان بصیر السلطنه با نویری در ایالت.....	۵۱۹
جواب نویری.....	۵۲۲
جواب بصیر السلطنه.....	۵۲۳
شهرت دادن مجاهدین امان خواستن شجاع الدوله را از انجمن.....	۵۲۴
شهادت فخرالمجاهدین رئیس انجمن قدرت در خیابان زمین آخوند ملا حمزه نیابتچی طب ثراه.....	۵۲۶

انتخاب نمودن دیمکراتیون وکلای انجمن را و بودن اکثریت با آنها.....	۵۲۸
رای خواستن نویری از وکلاء درباره شجاع الدوله و خواستن.....	۵۳۰
او سرکردگان را.....	۵۳۱
ممانعت شیخ سلیم او را از جنگ.....	۵۳۱
عتاب سیدالمحققین به شیخ سلیم بیچاره.....	۵۳۳
جواب نویری به شیخ سلیم دامت برکاته.....	۵۳۴
نطق میرزا علی و بجویه و خواندن نامه دروغ از صمدخان.....	۵۳۶
کشتن پسران رحیم خان را.....	۵۳۷
گفتار در و خامت تمام برستمکار.....	۵۴۱
رفتن شاهزاده امقلی، میرزا و نانجیبی اشرار و گرفتن اسلحه از لشکر او.....	۵۴۳
رسیدن به امان الله و شاهزاده حسن مشروطه چیان مستبدین را.....	۵۴۶
پیغام قونسلگری دولت به انجمن ایالتی شیدالله عن درامت الزوس.....	۵۴۹
استنطاق انجمن سردار رشید را و ایالت کبری و بردن لشکر روس او را.....	۵۵۰
نامه شجاع الدوله به حاج ابوالمله و رفتن او به باسمنج و گفتگوی ایشان.....	۵۵۳
جسارت بیچاره مصنف به حضرت حاج شجاع الدوله.....	۵۵۸
رفتن نمایندگان انجمن به باسمنج نزد شجاع الدوله.....	۵۶۰
رسیدن نمایندگان حضور شجاع الدوله.....	۵۶۱
فرستادن شجاع الدوله شهاب الممالک را نهاناً به قره ملک و رفتن مجاهدین برای.....	۵۶۲
ویرانی آنجا و حیلۀ شهاب الممالک به مجاهدین.....	۵۶۴
رسیدن خبر فتح مجاهد و چراغانی انجمن و رفتن مصنف به قراملک.....	۵۶۹
کیفیت تبریز بعد از وقوع جنگ قراملک.....	۵۷۱
مجلس جشن مستبدین و نامه آنها به صمدخان شجاع الدوله.....	۵۷۲
نکوهش نمودن مصنف استبدادیان را از شادی نمودن از اقدام شجاع الدوله و تنبیه.....	۵۷۵
پناهندگی رهایای دهات در باسمنج به شجاع الدوله.....	۵۷۷
جواب شجاع الدوله به رهایای دهات.....	۵۷۸
نامه شجاع الدوله از باسمنج به قونسول و سپهدار روس.....	۵۷۹

۵۸۰	احتجاج شجاع الدوله به انجمن ایالتی
۵۸۱	رفتن نمایندگان انجمن نزد شجاع الدوله
۵۸۲	عتاب شجاع الدوله به نمایندگان
۵۸۴	گفتگوی وکلاء و رای به تسلیم شجاع الدوله
۵۸۶	نامه وکلاء به حاجی شجاع الدوله و خواستن او را به تبریز از روی حقیقت
۵۸۹	رفتن صمدخان شجاع الدوله و قورخانه او به تبریز
۵۹۰	جواب نامه شجاع الدوله از قونسولگری و ممانعت او شجاع الدوله را از ورود به تبریز
۵۹۱	گرفتن روسان اسلحه از مجاهدین
۵۹۴	نامه انجمن به قونسولگری اعتراض به اقدام او
۵۹۵	شورای مجاهدین درین جنگ روس
۵۹۶	جنگ مغلوبه مجاهدین با لشکر روس
۵۹۹	شورای مجاهدین با همدیگر برین جنگ روسان و بدرد آنها اطفال و اولاد خود را
۶۰۱	جنگ لشکر روس با مجاهد و کشته شدن مجاهدین و متارکه موقت
۶۰۳	جنگ مغلوبه و بمباران لشکر روس تبریز و ویران شدن مجاهد
۶۰۶	فرستادن شجاع الدوله صمصام السلطان را برای آگاهی احوال تبریز
۶۰۸	دادخواهی عموم اهالی تبریز از شجاع الدوله و رفتن ایشان به باغینج
۶۰۹	طغیان لشکر روس و فراجیدن بساط انجمن و اشاره به شهادت حضرت ثقة الاسلام اعلی الله مقامه
۶۱۲	بردن لشکر روس حضرت ثقة الاسلام را به قونسولگری و عتاب مرحوم به
۶۱۴	سپهدار روس و جواب او
۶۱۵	خشمگین شدن سپهدار روس به حضرت ثقة الاسلام طاب ثراه
۶۲۰	جواب مرحوم مغفور آقای میرزا علی ثقة الاسلام به سپهدار لشکر روس
۶۲۲	نامه سپهدار لشکر روس به حاجی شجاع الدوله و خواستش به تبریز
۶۲۳	شهادت مرحوم و مبرور میرزا علی آقای ثقة الاسلام اعلی الله مقامه
۶۳۰	گفتگوی مجدد سردار سپاه امپراطور و ثقة الاسلام شهید طاب ثراه
۶۳۰	قتل مرحوم شیخ سلیم و صادق الملک و ضیاء العلما و غیرهم

انتظام تبریز و آمدن شجاع الدوله و مستبد شدن نظمیه‌ها یا زدهم شهر محرم ۱۳۳۰ ... ۶۳۳
رفتار شجاع الدوله و کشتن او سرداران مشروطه نام را ۶۳۴
کشتن شجاع الدوله مجاهدین خودکام را ۶۳۸
لشکر فرستادن شجاع الدوله به سمت اردبیل و تمکین آوردن او شهبون را ۶۴۱
اشعار مستدس در رفاهیت مملکت بعد از رفع غایله نفسانی به عنوان تشکر به پروردگار مستزاد گوید مستدس ۶۴۴
ستیزه شجاع الدوله با وزراء و فرستادن جهان‌شاه‌خان را با لشکر و فرستادن شجاع الدوله اسماعیل خان سرائی را و غلبه اسماعیل خان به جهان‌شاه‌خان ۶۴۷
غارت نمودن روسیه با انانای سردار و سالار ملی و علانیه فرستادن به روسیه ۶۵۰
آمدن سپهدار اعظم به تبریز برای مسئول نمودن شجاع الدوله از جلوگیری جهان‌شاه خان ۶۵۳
گفتگوی سپهدار اعظم با حاج شجاع الدوله و مراجعت سپهدار به تهران ۶۵۵
آرایش حاج شجاع الدوله به مراتب ایالت خود ۶۶۱
تلگراف عین الدوله و سایر وزراء به حاج شجاع الدوله ۶۶۳
جواب تلگراف وزراء از شجاع الدوله به اعلیحضرت مایونی ۶۶۴
انصراف شجاع الدوله از ایالت و آمدن حکم ایالت به سردار رشید و خشم شجاع الدوله به رئیس تلگراف ۶۷۰
رفتن شجاع الدوله به روسیه و رسیدن خبر سپاه عثمانی و رفتن روس ۶۷۱
ورود سپاه عثمانی با ریاست ارکان پاشا و فوزی بیگ و بلوری ۶۷۳
رفتار سپاه عثمانی به ریاست حاجی بیگ و پول گرفتن از مردم ۶۷۶
لحن موزیکان در جشن شهنشاهی در حضور سردار رشید و ارکان پاشا و غیرهم ۶۷۷
تعاقب نمودن اکراد روسیان را و کشته شدن آنها در صوفیان ۶۸۰
رفتن سردار رشید از پی بازآوردن سپهدار روس از صوفیان به تبریز ۶۸۲
اصرار و پوزش سردار رشید و آوردن سپهدار روس را به تبریز ۶۸۶
آرامی تبریز از نظم سردار رشید و دادن سپهدار روس عفو عمومی ۶۸۷
تحت حمایه شدن مردم به دولت روس و بیرون نمودن روس‌ها اتباع خارجه را از تبریز ۶۹۰

آمدن محمد حسن میرزا ولیعهد به تبریز و آیین بندی و استقبال اهل تبریز او را ۱۴ صفر ۱۳۳۳	۶۹۱
قتل مرحوم امام جمعه و پسرش و ملامت از علماء سوء و بعضی واعظان بی‌دین و طبیعی.....	۶۹۲
یاغیگری اسمعیل خان سرابی و کشته شدن و غارت اموالش.....	۶۹۹
کشته شدن سردار رشید و آمدن محتشم السلطنه به تبریز و قحط و غلا و خستگی و فروختن رؤسا غله یوانی را به پنهانی	۷۰۱
ترک خیانت حضرت نویری و شدّ رجال او به همدان و تجدید انتخاب دارالشّورا ...	۷۱۰
انتخاب نمون مسمی با نچه کاری و عدم پیشرفت آن و جنبش شیخ محمد خیابانی. ۷۱۳	
قیام شیخ محمد خیابانی و آرایش تجدّد بر اساس دیرینه و کاهیدن القاب و غیره.....	۷۱۵
نطق‌های مکرّر شیخ محمد خیابانی در عالی قاپو.....	۷۱۹
گفتار متفرقه در ملامت و مذمت جاملان آزاده و ناسپاسی	۷۲۵
پدیدار شدن خان لاهوتی و خوشه شدن در میدان مشق و درود بر خیابانی	۷۲۹
شورای ملت بدبخت از جسارت لاهوتی شدن - غیره نسبت به دین اسلام	۷۳۲
جنگ لاهوت خانی با لشکر اسمعیل خان امیر لشکر شمال غرب	۷۳۳
گرفتن اسمعیل خان امیر لشکر تبریز را و تاراج و ریختن لاهوتی و کشته شدن خیابانی محرم ۱۳۳۶	۷۳۶
مشورت مخبر السلطنه درباره آشوب آذربایجان با امیر لشکر شمال غربی و رفتن امیر ارشد به جنگ اسماعیل آقا	۷۴۰
نامه سام خان امیر ارشد به اسمعیل آقا در کردستان و اعلان جنگ	۷۴۵
ساقی نامه در بی‌وفایی دنیا و نکوهش بر طالبان جاه راجع به مرگ امیر ارشد و دولتخواهی او	۷۴۸
رفتن امیر ارشد سام خان پسر رستم خان قرا داغی به جنگ اسمعیل آقا برادر جعفر آقا. ۷۵۰	
جواب نامه امیر ارشد از اسماعیل آقا و پیمودنش طریق آشتی و پاره شدن نامه او	۷۵۲
جنگ سام خان امیر ارشد در سلماس با لشکر اسمعیل آقا و شکست دادن به لشکر اکراد و رسیدن تیر ناگهانی بر او	۷۵۴

۷۵۶	افسوس مصنف به مرگ ناگهانی سام خان امیر ارشد و بدبختی ایران و ایرانیان
۷۵۸	آوردن لشکریان نظامی نعش امیر ارشد و سوگواری نظامیان در ماتمش
۷۶۰	در مذمت ستمکار و دلداری بر مظلوم و توکل نمودن به پروردگار
	جنبش اکراد اسماعیل آقا و عمر آقا بعد از مرگ امیر ارشد و شورش شهبانان و خرابی
۷۶۷	آذربایجان و دادخواهی مردم از تهران
۷۶۸	جنبش رضاخان سردار سپاه ایران و وزیر جنگ از پی نظم و گفتگوی آن با دارالشورا
۷۷۱	جنگ شاهزاده آسان الله میرزا با اسمعیل آقا در سلماس
۷۷۶	ساقی نامه و نشاط امنیت روزگار منتهی به تشکر از سردار سپه
۷۸۵	عرضحال پروین به قیام الملک رشتی وکیل دارالشورا
۷۸۸	وضع مملکت آذربایجان و برپا جلوس رضاخان وزیر جنگ
۷۹۰	فرستادن سردار رضاخان و یار جنگ عبدالله خان امیر لشکر را به تبریز
۷۹۴	رفتن امیر لشکر شمال غربی عبدالله خان طهماسبی به جنگ شهبان و تسلیم آنها
۷۹۸	آرامش صفحات اردبیل و خلخال به سپردن عبدالله خان طهماسبی امیر لشکر
۸۰۳	شکایت از عدلیه و مقامات صالحه حرمی و دارالشورای کبری
۸۱۳	گفتار در نکوهش اشتباه علما که از عدم ملاحظه آنها به عدلیه دچار شدیم
	گرفتن اسلحه بدون قیمت از اهل تبریز و شوشه خودشان را بی دادن اجرت و خراب
۸۱۸	کردن عبدالله خان طهماسبی خانه و دکاکین مردم را و خیابان بستن
	تغییر رأی رضاخان وزیر از وزارت به خیال سلطنت و رفتن سامان شاه به فرنگستان و
۸۲۱	سپردن زمام مملکت بر او
	آمدن جواب عرض حال پروین که بر پیشگاه رضاخان وزیر جنگ نوشته و به پایان کتاب
۸۲۳	اعانه خواسته است
۸۲۶	اعلام و توضیحات

مقدمه و شرح حال

نامش محمدعلی تخلص پروین مسمی به پروین میزرای آشتیانی مولد و موطن اصلی تبریز متولد ۱۳۴۰ قمری برابر با ۱۲۴۰ شمسی به استناد اشعار و سروده‌اش سن عمرش ۴۵ سال اهل فضل و دانش و علاقه‌مند به شاهنامه فردوسی و معتقد به آیات شریفه قرآن بطوریکه کراراً در ابیات و افکار خود انوار الهی را تداعی کرده و شاهد و ناظر سروده‌های خود قرار داده و تلویحاً به آرایه تلمیح ذهن خوانندگان خود را معنی به کلمات حصار و پرمحتوای قرآن کریم و با توجه به راهنمایی‌های لدنی ابنای بشر خواننده را با سیر حرکت تاریخی مردم جهت تعیین سرنوشت اجتماعی خود با توجه به فلسفه زندگی و یافتن حقایق و تطابق آن با وقایع کوشیده تا منحنی زندگی مردم ایران زمین را تسبیح و خط‌مشی آنان را در فرازو نشیب ترسیم نماید و بخاطر تاثیر بخشیدن گفته‌های خود به امر که آمیخته شعور و شعار ادبیات این خاک و بوم است توسل جسته تا اذهان خفته و بنیاد غفلت رفته را بیدار نماید و در این باب تلاش کرده که دو عنصر سازنده تاریخ و ادبیات را با یکدیگر تلفیق نموده تا سایه روشن‌های جامعه و سعادت و نگون بختی مردم را با جاشنی شعر و ادبیات فارسی را پایه و اساس می‌باشد به آیندگان و سازندگان این مرز و بوم ناظر نشان سازد.

محمدعلی پروین میرزا نیز به تأسی از بزرگان و نویسندگان مردمی در روشن کردن این راه تاریک و پریچ و خم اجتماع قریب پانزده سال کوشیده و با تناسب تحولی که در افکار و اعتقادات مردم با گذشت زمان پدید می‌آید که بهره‌ای نگرفته و ناامیدانه با یاس فلسفی کامل به دیار جاویدان شتافته.

کتاب حاضر که تقدیم شما خوانندگان محترم و اهل علم و ادب و شعر می‌گردد به امید روشن نمودن نکات مبهم تاریخی که همراه نکات باریک ادبی است که بصورت وقایع نگاری و درج حقایق انقلاب مشروطیت است نگارنده آنچه را به رای العین مشاهده

کرده بی‌حب و بغض بدون طرفداری از گروه مستبدین یا مشروطه خواهان در قالب مثنوی رزمی و عرفانی سروده تا خستگی تاریخی را به لطف نکات ادبی تلطیف نموده بلکه خواننده با ذوق ادبی که ذائقه خوش آیند هر اهل ادب و شعر است مسائل پیچیده تاریخ مشروطیت را حل و فصل نماید به ویژه که نگارنده با انقلاب صدر مشروطیت همزمان بوده و با سرزمین آذربایجان که مهد مبارزه علیه هواداران محمد علیشاه قاجار که سبیل استبداد بوده کاملاً آشنایی داشته است.

کتاب در خوشاب در اوزان و محور تقارب و رمل به تأسی از شاهنامه فردوسی و مثنوی معنوی در حدود ۲۱۰۰ بیت به زبان فارسی و گهگاه آمیخته به زبان آذری سروده شده که با ترجمه به عربیت یافتن آن ارزش تاریخی و ادبی دارد شاعر این مجموعه محمدعلی پروین تبریز است در سال ۱۳۰۰ ه. ق در شهر تبریز در محله سرخاب که مقبره الشعرا ی فعلی است زاده شده و در سال ۱۳۴۵ ه. ق نیز در زادگاه خود در آن مکان که قبلاً "به گورستان میره سید حمزه معروف بود از زندان تن پرکشید و به سرای جاویدان به معبود خود در لقاء الله پیوسته است.

این کتاب به سبک شاعران قدیم از توحید و نعت و سبک پیغمبر اعظم و مدح مولای متقیان شروع شده و تا حصول نتیجه مشروطیت و برادران به وزارت جنگ رضاشاه ادامه یافته است.

متعهد و خداشناس بودن شاعر که عنوان ناظمی و طبع شعر خود را در خواب و رویا از امام حسن مجتبی گرفته وی را مکلف و موظف داشته تا وظیفه اصلی مورخی را هرگز فدای طبایع حرص جاه و مال ندارد و از انحرافات و لغزش‌های فریبده حاکمین وقت در امان باشد شاید که این دین ملی و میهنی و بار عظیم رسالت شعر و نویسندگی و تاریخ را ادا نماید. بعد از گزند داس دروگر قدرتمندان هفت خطه در امان باشد.

ز آن سپس رو کرد بر من تاجدار	گفت برگو مدحتم کن افتخار
مجتبایم داده چون خلعت مرا	تیره نبود شایدم مطلعت مرا

نگارنده و شاعر این مجموعه با توجه به موقعیت مکانی و آشنایی کامل با افکار بیشتر سران و حاکمان وقت به ویژه شخصیت مستبدینی چون محمد علیشاه و حاجی صمد خان شجاع الدوله و غیره و مصاحبت و گفتگوی مستقیم با آنها و سران مشروطه چون ستارخان (سردار ملی) و باقرخان (سالار ملی) مسائل و وقایع روز را بدون تحریف و تطمیع به رشته تحریر در آورده و بدون حب و بغض و مسائل شخصی که متأسفانه بیشترین ررخی را متاثر میکند حقایق و اتفاقات را نمودار کرده است که والاترین ارزش جامعه است و به همین خاطر برای دست یافتن به حقیقت و تعمیق بخشیدن به آن به ادب شعر پناه برده که از هرگونه محدودیتی رهایی یابد تا با صنایع آن توده خواص و عوام را با فهمی راستین آشنا سازد و با استفاده از علم و هنر روشنی‌های زندگی و حشایانه این زمانه را در شرف و شریف و انسانی کند برخلاف سیاست روز که مردم را با خشونت بیداد، دروغ و کینه ریزی به فساد و تباهی می‌کشد.

اگر ما بخواهیم که همه فعالیت‌های خوناگاه را بشیم‌های گذشته را در زمینه سیاست داخلی دریابیم معنی این فعالیت‌ها برای ما هم‌چون کوششی همه جانبه از سوی دستگاه دیوان سالاری خواهد نمود که هدفش جلوگیری از فساد و تباهی و کیفی مبانی اندیشه ما مردم بوده است.

نگارنده با زبان شعر که لب کلام است کاملاً حاکمین وقت را در زنگار را بی‌کفایت و بی‌لیاقت خوانده و به خاطر صیانت نفس به آنها فهمانده که خوناگاه‌ترین دشمنان مغز و اندیشه و تموجات ذهنی انسان است که با تفکرات منطقی و انسانی خود مانع جامعه عمل پوشیدن نیات شوم و شیطانی و افسار گسیختگان باید بود در نتیجه با کلیه امکانات بالقوه خویش تلاش می‌کردند از رشد نیروهای فکری مردم در جامعه جلوگیری کنند یا با ایجاد انحرافات مسیر مستقیم و سازنده آنها را تغییر دهند و در این فعالیت جنایت آمیز بعضی اقشار عوام فریب ناخودآگاه را به خدمت گرفته و خود

جامعه هم با نامتعادل بودن ندانسته تسلیم زور و قلدری شوند و به ظاهر خود را با توجه به تغییرات برونی موفق و کامروا یابند.

کتاب حاضر نمودار عدم فرهنگ و علم و دانش حکومت و مردم است که چگونه به جای ساختار و ایجاد پایه و نهاد پیشرفت و انسانیت بنام جنگ و اختلاف آراء و افکار در کره خاکی ده‌ها میلیون نفر از سالم‌ترین و خوش‌بنیه‌ترین مردم را از کسب و کار مهم زندگی جدا کرده آنان را به جان یکدیگر انداختند تا همدیگر را بکشند و به این کشتار کثرت نام "پیروزی" نهند و مباهات و افتخار کنند به کشتن مردمی که پرارزش‌ترین شاهکارهای طبیعت را پدید آورده‌اند یعنی فرهنگ و هنر را.

گنجینه‌های روی زمین را ببرد، به ناموس و شرف انسان‌ها تجاوز کرده، کودکان را کشته‌اند. هیچ رسوایی و ننگ نیست که جنگ تجویز نکرده و در این کتاب به آن اشاره نشده، هیچ جنایتی نیست که جنگ آن را موجه ندانسته باشد به ویژه اگر نام پیروزی را یدک کشد که دیگر تلفات انسانی طرح نیست. به اندیشه‌های سالم و هوشمندی که در دوران جنگهای داخلی برخاک کیف پخش و پراکنده شده است این نابودی بی‌معنای انسان بدست انسان که هیچ موجود زنده‌ای پلیدی مرتکب چنین فجایعی شرمگین نمی‌شود. هزاران سرباز و رزمنده ناقص و معلولان و ناتوانان دراز تا دم مرگشان دشمنانشان را فراموش نخواهند کرد و نفرت خود را از جنگ به فرزندانشان منتقل خواهند نمود و بذر دشمنی را خواهند کاشت و محصول این بذرها پربار خواهد شد که سراپا نفرت و کینه‌توزی و دشمنی است. گناه این فریب شیطانی و ایجاد بی‌نظمی به گردن مشوقین جنگ و هیزم بیار معرکه خواهد شد.

بهبتر است گناه را به گردن مسئولین و حاکمین وقت نیندازیم از حقیقت تلخ سخن بگوییم و فریب خود را نخوریم همه ما مردم جامعه در ایجاد بی‌نظمی و مسمومیت جامعه در این جنایت مقصریم، آن بهتر است که این نیروهای عظیم خانمان برانداز را بجای انداختن به جان یکدیگر برای تامین مسائل حیاتی کشور تجهیز کنیم تا هزاران

کیلومتر کویر خشک بی آب و علف نمک و لوت را به آبادانی تبدیل کنیم و دست از ادعا و تبختر و سخنوری برداریم، با کمی اندیشه، انسان درونگرا کاملاً نومید شده و دیوانه وار فریاد می زند "ای نکبت زدگان پرمدها به خودتان رحم کنید و به خود آیید". وقایع دوران مشروطیت نمودار هرج و مرج کامل است که باوجود ثروت طبیعی و استعدادهای درونی آن به سبب عدم کاربرد آن و فقر و بینوایی معنوی کشور گرفتاری و مصائب وصف ناشدنی دامن گیر مردم می گردد و این مصائب با گفتار از بین نمی رود چرا که به گفته معروف: "جهان را نه گفتار که کردار آفرید" یعنی دو صد گفته چون نیم کردار نیست و این گذاران مکتب پراگماتیسم نیز عامل پیشرفت تمام اینای بشر را در دو قرن پیش هم به روئ سازنده بی قیل و قال دانسته اند